

این، آن شقیست که در نمونه‌ی آفریقای جنوبی و در انقلاب‌های اروپای شرقی دیده شد و از آن به عنوان گذار غیرخشونت‌آمیز به یک جمهوری دموکراتیک پلورالیست و غیرنژادپرست یاد شده است. لازمه این شیوه‌ی دگرسازی نظام، دامن‌زدن به یک جنبش نیرومند نافرمانی مدنی و اعمال فشار افکار عمومی و نهادهای بین‌المللی است تا شرایط انتخابات آزاد برای فراخواندن مجلس مؤسسان آماده گردد و سپس قانون اساسی جدید به همه‌پرسی گذاشته شود. طبعاً در صورت مقاومت رژیم، امر فراخواندن مجلس مؤسسان و فراندم به برافتادن جمهوری اسلامی موکول می‌شود.

در چنین حالتی، حق قیام خشونت‌آمیز مردم علیه حکومت دینی به عنوان یکی از حقوق بینادین مصرحه در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر باید به رسمیت شناخته شود. چنین حالتی گرچه مطلوب نیست، اما اجتناب از آن به روش سردمداران جمهوری اسلامی در برابر نافرمانی مدنی بسته است. هر آئینه الیگارشی تئوکراتیک حاکم بر ایران در برابر اعتراض حق‌خواهانه مردم روشی جز خشونت و توسل به اجامر و اوباش حزب‌اللهی در پیش نگیرد، دیر یا زود صدای انقلاب را از طریق انفجارهای توده‌ای خواهد شنید.

بحران سیاسی عمیق در میان "بالائی‌ها" و ناتوانی آنها در حکمرانی به شیوه‌ی گذشته از جمله در دو طرح مختلف فراندم که در محدوده‌ی نظام عنوان شده، نمود یافته است.

الف) فرایند برای لوایح دولت و لغو نظارت استصوابی که از جانب خاتمی و برخی از نمایندگان مجلس پیشنهاد شده.

ب) فرایند برای تغییر مفادی از قانون اساسی که از سوی برخی جریانات جبهه دوم خرداد به ویژه مدافعین راه کار "اقدام هماهنگ" عنوان شده.

فرایند "الف" در تعارض با قانون اساسی نیست؛ حال آن که فرایند "ب" در قانون اساسی جمهوری اسلامی پیش‌بینی نشده است. به موجب اصل یک صد و هفتاد و هفتم، بازنگری در قانون اساسی به ترتیب زیر انجام می‌گیرد:

"مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام طی حکمی خطاب به رئیس جمهور موارد اصلاح یا متمیم قانون اساسی را به شورای بازنگری قانون اساسی با ترکیب زیر پیشنهاد می‌نماید:

- ۱- اعضای شورای نگهبان ۲- رؤسای قوای سه گانه ۳- اعضای ثابت مجمع تشخیص مصلحت ۴- پنج نفر از اعضای مجلس خبرگان رهبری ۵- ده نفر به انتخاب مقام رهبری ۶- سه نفر از هیئت وزیران ۷- سه نفر از قوه قضائیه ۸- ده نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۹- سه نفر از دانشگاهیان.

شیوه کار و کیفیت انتخاب و شرایط آن را قانون معین می‌کند.

مصوبات شورا پس از تأیید و امضای مقام رهبری باید از طریق مراجعه به آراء عمومی به تصویب اکثریت مطلق شرکت کنندگان در همه‌پرسی برسد"

به این ترتیب تغییر قانون اساسی نیز منوط به فراخواندن مجلس مؤسسان و انتخابات آزاد نبوده، بسته به اراده‌ی رهبری، برگزیدگان وی و نمایندگان مجموعه‌ای از نهادهای انتصابی، قوای سه‌گانه و مؤسسات کارشناسی است. اگر قانون اساسی جمهوری اسلامی فرآورده‌ی مجلس خبرگان رهبری است، تغییر آن نیز تنها می‌تواند به دست معتمدین رهبری صورت پذیرد. به هر رو، انتخابات آزاد و تشکیل مجلس مؤسسان برگزیده نمایندگان مردم در آن جایی ندارد. در این جا نیز همه‌پرسی تنها به عنوان نوعی بیعت با ولی فقیه و آن چه سردمداران حکومت به مصلحت نظام می‌دانند، مطرح است. اصل یک صد و هفتاد و یکم تنها اصلی است که در آن رفراندم مؤسسان به منظور بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی، تحت اراده‌ی "مقام رهبری" مورد پذیرش قرار گرفته است. دیگر اصول ناظر بر همه‌پرسی در این قانون تنها بر خصلت رفراندم تقنینی تأکید دارند. اصل ششم قانون اساسی همه‌پرسی را به عنوان یکی از راه‌های قانونگزاری به رسمیت می‌شناسد. اما اصل ششم پس از اصل پنجم تدوین شده که به موجب آن: "در زمان غیبت حضرت ولی عصر" عجل الله تعالی فرجه "در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده‌ی فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد." به عبارت دیگر اصل امامت بر اصل حاکمیت مردم مرجع و از این رو رفراندم در جمهوری اسلامی یکی از اشکال دموکراسی مستقیم نیست.

به علاوه بر خلاف قانون اساسی فرانسه، پیشنهاد رفراندم نه از جانب رئیس جمهور بلکه تنها با تصویب دو سوم نمایندگان مجلس میسر است. اصل پنجاه و

نهم مشعر بر این است که: "در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوهی مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعهی مستقیم به آراء مردم صورت گیرد. درخواست مراجعه به آراء عمومی باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس برسد."

مضافاً ویژگی منحصر به فرد قانون اساسی جمهوری اسلامی این است که عمدتاً رفراندم مقننه و نه مؤسسان را به رسمیت می‌شناسد؛ در حالی که رفراندم در کشورهای دیگر اساساً به رفراندم مؤسسان مبتنی بوده است. دلیل این امر را هم باید در بدعت خمینی جستجو کرد که به موجب آن، رفراندم در تأیید نظام، پیش از تصویب قانون اساسی برگزار شد تا به این وسیله قانون اساسی مصوب شورای نگهبان به رأی مردم گذاشته نشود. خمینی به عنوان معمار نظام ولایت فقیه، رأی خواص یعنی علماء و فقها را بالاتر از رأی عوام می‌دانست و آن چه را که به نظرش می‌رسید، به همه‌پرسی نمی‌گذاشت. از این رو در اصل اول قانون اساسی، به نتیجه همه‌پرسی دهم و یازدهم فروردین‌ماه ۱۳۵۸ در تأیید جمهوری اسلامی اشاره می‌شود و حال آن که اگر حاکمیت مردم منشأ قانون محسوب می‌گردید، "اصل اول" باید به اصل آخر قانون اساسی مبدل می‌شد؛ چرا که خود این قانون باید به همه‌پرسی واگذار می‌شد. به این ترتیب یک بار دیگر می‌بینیم که در قانون اساسی جمهوری اسلامی، رفراندم نه یکی از اشکال دموکراسی مستقیم بلکه نوعی بیعت با رهبر یا ولی فقیه است که به موجب آن "امت اسلام" تبعیت خود را از حکومت دینی اعلام می‌دارد و اراده‌ی خود را به ولی مسلمین

وامی گذارد. نتیجه آن که در این قانون جایی برای رفراندوم در خصوص قانون اساسی و مواد آن وجود ندارد.

بنا به اصل پنجاه و نهم قانون اساسی اما می‌توان از رفراندوم در حوزه‌ی تقنینی استفاده کرد. در این باره باید خاطر نشان ساخت که اولاً، چنین تصمیمی باید به تصویب دو سوم نمایندگان مجلس برسد؛ و ثانیاً، مطابق با اصل نود و نهم "شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آراء عمومی و همه‌پرسی را بر عهده دارد" و مطابق با اصل یکصد و بیست و سوم، رئیس جمهور تنها موظف است که "مصوبات مجلس یا نتیجه همه‌پرسی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی امضاء کند و برای اجراء در اختیار مسئولان بگذارد." اصل یکصد و سی و یکم و یکصد و سی و دوم که به هنگام "اصلاحات و تغییرات و متمیم قانون اساسی مصوب ۱۳۶۸" جایگزین اصل یکصد و سی و یکم قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ شده، امر ارجاع به همه‌پرسی را در مدتی که اختیارات و مسئولیت‌های رئیس جمهور بر عهده‌ی معاون اول یا فرد دیگری است، ناممکن می‌شمارد. رفراندوم جمهوری اسلامی نظیر دیگر نهادهای به اصطلاح انتخابی آن نظیر ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، و شوراهای شهر و روستا تابعی از اوامر و فرامین ولی فقیه، شورای نگهبان، مجلس خبرگان و شورای تشخیص مصلحت نظام می‌باشد. از این رو نتایج آن را به همان اندازه باید جدی گرفت که وعده‌های شخص خاتمی و مصوبات مجلس ششم را. انتخابات ۹ اسفند ۱۳۸۱ نشان داد که شهروند ایرانی بیهودگی چنین رأی‌دادن‌هایی را دریافته است. اما ایده‌ی رجوع به

رفراندم جهت تعیین نظام سیاسی کشور از محدوده‌ی فوق خارج می‌شود. با این حال این ایده از جانب گرایش‌های سیاسی مختلف نظیر رضا پهلوی، حشمت‌الله طبرزدی و عباس امیرانتظام مطرح شده است. با این حال پرسیدنی‌ست که رفراندم مخالف نظام، حول چه پرسشی و تحت چه شرایطی باید صورت گیرد. تنها آقای امیرانتظام است که تلاش کرده به این پرسش پاسخی ارائه دهد. به دیده‌ی او، رفراندم باید حول یکی از دو پرسش زیر انجام شود:

۱) آیا با استمرار نظام جمهوری اسلامی موافق هستید؟

۲) آیا با استقرار نظام مردم‌سالار موافق هستید؟

پرسش اول جنبه‌ی سلبی دارد و روشن نمی‌کند که نظام جایگزین جمهوری اسلامی چه باید باشد. ولی با فرض این که چنین رفراندمی برگزار شود و اصل ولایت فقیه با اکثریت قاطع آراء رد گردد، معنای آن تغییر قانون اساسی جمهوری اسلامی و فراخواندن مجلس مؤسسان است. در آن صورت پرسیدنی است که در چه شرایطی رژیم به برگزاری رفراندم درباره‌ی اصل ولایت فقیه یا در خصوص استمرار نظام جمهوری اسلامی تن خواهد داد؟

با توجه به این که اصل ولایت فقیه هسته مرکزی نظام است، رژیم تنها زمانی به همه‌پرسی درباره‌ی استمرار یا عدم استمرار نظام جمهوری اسلامی تن خواهد داد که در حال فروپاشی باشد. در چنین شرایطی البته به فراخواندن مجلس مؤسسان نیز تن خواهد داد. پس چه لزومی دارد که به جای فراخواندن مجلس

مؤسسان برای تغییر کامل قانون اساسی جمهوری اسلامی، از فراندم برای تغییر اصل ولایت فقیه استفاده شود؟

پرسش دوم آقای امیر انتظام مبنی بر این که، "آیا با استقرار نظام مردم‌سالار موافق هستید؟"، البته جنبه‌ی ایجابی دارد؛ اما نظام مردم‌سالار شکل حکومت را تعیین نمی‌کند. رژیم جمهوری اسلامی نیز می‌تواند مدعی مردم‌سالاری باشد و حال آن که تعریف و تدقیق مختصات و شکل حکومت مردم‌سالار نیازمند تنظیم قانون اساسی جدید است. تنظیم چنین قانونی هم مستلزم فراخواندن مجلس مؤسسان است؛ مجلسی که باید منتخب واقعی مردم باشد. قانون اساسی تدوین شده به وسیله این مجلس می‌تواند به همه‌پرسی عموم گذاشته شود. بنابراین اگر طرح فراندم به عنوان ابزار حاکمیت مردم و دموکراسی مستقیم مد نظر باشد و بر خلاف آن چه که خمینی مرسوم داشته وسیله‌ای برای عوام‌فریبی، احراز مشروعیت و تخطئه حاکمیت مردم به دست خود مردم نباشد، آن‌گاه فراندم مؤسسان را باید به عنوان مرجع نهائی تأیید یا رد قانون مصوب مجلس مؤسسان تلقی کرد.

به هر رو با شکست پروژه‌ی "اصلاح از درون"، مرکز ثقل تحول سیاسی به بیرون از حکومت انتقال پیدا کرده است. اکنون رهبری خاتمی در جبهه‌ی دوم خرداد پایان یافته، خود این جبهه دچار شکاف‌های عمیقی شده و دیگر قادر به حفظ مرزهای خود با "غیرخودی‌ها" نیست. مرحله‌ی "عبور از خاتمی"، آغاز پایان جمهوری اسلامی در تمامیت آن است. در این مرحله صحنه‌ی سیاست به رقابت میان گروه‌های گوناگون مذهبی و ملی-مذهبی تقلیل نیافته، بلکه کل جامعه بر

مبنای شکاف میان لائیک‌ها و طرفداران حکومت مذهبی از هر دست (اعم از ولایت مطلقه یا ولایت مشروطه، جمهوری دمکراتیک اسلامی و حکومت دمکراتیک دینی) قطبی می‌شود.

به یک کلام، شکست پروژه‌ی اصلاح جمهوری اسلامی، مقدمه‌ی طرح اصلاحات نظام‌مند در جهت برافتادن جمهوری اسلامی است.

www.KetabFarsi.com

بخش آخر: فهرست منابع و مآخذ خارجی و فارسی

Abrahamian Ervand, *Iran between Two Revolutions*, Princeton, Princeton University Press, 1982.

Arendt Hannah, *On Violence*, San Diego, N.Y, London, A harvest Book Harcourt Brace and Company, 1969, 1970.

Bates Robert, *Economic Analysis of Property Rights*, Cambridge, Cambridge University Press, 1989.

Brus Wlodzimiers, *Problèmes généraux du fonctionnement de l'économie socialiste*, Paris, Maspero (1961) 1968.

Chavance Bernard, *Les réformes économiques à l'Est, de 1950 aux années 1990*, Paris, Nathan, 1992.

Commons John R. "Institutional Economics", *American Economic Review*, Vol. XXI, 1931, pp. 648-657.

Dahrendorf Ralf, *Réflexions sur la révolution en Europe: 1989-1990*, Paris, Seuil, 1991.

Goldstone Jack A., "Reform," in Goldstone J., *The Encyclopedia of Political Revolutions*, Washington D.C., Congressional Quarterly Inc., 1998.

Hirschman Albert O., *Journey Toward Progress, studies of Economic Policy-making in Latin America*, New York, The Twentieth Century Fund, 1963.

Hirschman Albert O., *Exit, Voice, and Loyalty*, Cambridge Mass., Cambridge University Press, 1970.

Hirschman Albert O., "Exit, voice, and loyalty": Further reflections and a survey of recent contributions", *Social Science Information*, vol 13, no. 1, February 1974, pp. 7-26.

Hobsbawm Eric, *Primitive Rebels, Studies in Archaic Forms of Social Movement in the 19th and 20th Centuries*, Manchester, The University of Manchester Press, (1959) 1963.

Hobsbawm Eric, *The Age of Revolution 1789-1848*, Weidenfield and Nicolson, 1962.

Kissinger Henry, *Diplomacy*, New York, Simon and Schuster, 1994.

Kornai Janos, *The Socialist System, The Political Economy of Coordination*, Oxford, Clarendon Press, 1992.

Krugman Paul, "Rejecting the world, going it alone will cost plenty," *International Herald Tribune*, April 19-20, 2003, p.6.

Davis Lance E., and North Douglass, *Institutional Change and American Economic Growth*, Cambridge, Cambridge University Press, 1971

Machiavelli Niccio, *The Prince and Other Political Writings*, London, Everyman, (1513) 2001.

Marshall Thomas, *Sociology at the Crossroads and Other Essays*, London, Heinemann, 1963.

McDaniel Tim, *Autocracy, Modernization, and Revolution in Russia and Iran*, Princeton, N.J., Princeton University Press, 1991.

Montesquieu, *The Spirits of Law*, Berkeley, University of California Press, 1977.

North D., *Institutions, Institutional Change and Economic Performance*, Cambridge University Press. 1990.

Olson Mancur, *The Logic of Collective Action, public Goods and the Theory of Groups*, Cambridge Mass., London, Harvard University Press, (1965) 1980.

Posner Richard, "A Theory of Primitive Society, with Special Reference to Law", Journal of Law and Economics, vol. 23, 1980, pp. 1-53.

Šik Ota, Plan and Market under Socialism, Prague, Academia Publishing House, 1967.

Tocqueville Alexis de, The Old Regime and the French Revolution, Translated by Stuart Gilbert, New York, Anchor, 1955.

Turgot A.R.J., Réflexions sur la formation et la distribution des richesses (et autres texts), Paris, GT-Flammarion, (1766) 1997.

ابراهیمی زهرا، "فراکسیون گسسته، فراکسیون دوم خرداد پارلمان از آغاز تا فرجام"، روزنامه همشهری، دوشنبه ۱۹ خرداد ۱۳۸۲

اسناد دادگاه میکونوس ۱، ۲، ۳، پروژه‌های از آرشیو اسناد و پژوهش‌های ایران - برلن، نشر نیما، ۱۳۷۹، چاپ اول

باقرزاده حسین، "منشور ۸۱ - بیانیه دمکراسی و حقوق بشر در ایران"، ایران امروز، ۲۲ بهمن ۱۳۸۱

باقرزاده حسین، ایران امروز، ۶ خرداد ۱۳۸۲

باقرزاده حسین، "طرح رفرااندوم ساختار شکن"، ایران امروز، ۲ اردیبهشت ۱۳۸۲

باقی عمادالدین، "مردم از بحث اصلاحات عبور کرده‌اند"، گفتگویی با بهمن احمدی امویی، سایت "امروز"، ۷ خرداد ۱۳۸۲

باقی عمادالدین، "آمریکا و غرب دموکراسی را برای منافع خود می‌خواهند"،
گفتگویی با ایلنا، خبرگزاری کار ایران، جواد خرمی مقدم، سایت ایران امروز، ۱۳
خرداد ۱۳۸۲

"برای اتحاد جمهوری خواهان ایران"، سایت عصر نو، ۷ خرداد ۱۳۸۲

"بیانیه نیروهای فرهنگی سیاسی ایران درباره راهکارهای تقویت توان ملی در برابر
تهدیدات خارجی"، سایت ایران امروز، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۲

"بیانیه تحلیلی انجمن‌های اسلامی دانشجویان ۲۴ دانشگاه کشور پیرامون تحولات
عراق و منطقه، بگذارید تا این وطن دوباره وطن شود"، سایت ایران امروز، ۵
خرداد ۱۳۸۲

بیانیه "جمهوری اسلامی، جمهوری لائیک و جایگاه ما" خرداد ۱۳۸۰

پیک‌های رفراندوم، جبهه دمکراتیک ایران، خرداد ۱۳۸۲

تاج‌زاده سید مصطفی، "بازدارندگی فعال"، در سعید حجاریان، عباس عبدی، سید
مصطفی تاج‌زاده، حمیدرضا جلایی‌پور، علی‌رضا علوی‌تبار، گفتگویی انتقادی،
اصلاحات در برابر اصلاحات، تهران، انتشارات طرح نو، ۱۳۸۲، صص ۲۳ - ۹

تاج‌زاده، "گفتگو منتفی نیست"، در سعید حجاریان و الخ، ۱۳۸۲، صص ۶۸ - ۶۷

تاج‌زاده، "چرا خروج از حاکمیت"، همانجا، ۱۳۸۲، صص ۷ - ۸۵

جزئی بیژن، نیروها و هدف‌های انقلاب مشروطیت ایران، پایان نامه تحصیلی زیر نظر جناب آقای دکتر صدیقی، استاد جامعه‌شناسی دانشکده ادبیات تهران، شهریور ۱۳۴۱

جلایی‌پور حمیدرضا، "اگر رقیب نگذارد!" در سعید حجاریان و الخ، ۱۳۸۲، صص ۲۳-۲۴

جلایی‌پور، "اجماع اصلاح‌طلبان فراموش شده"، همانجا، ۱۳۸۲، صص ۶۵-۶۷

جلایی‌پور، "فروپاشی اجتماعی؟!"، همانجا، ۱۳۸۲، صص ۸۲-۸۳

جلایی‌پور، "تقویت عرصه عمومی هدف محوری اصلاح‌طلبی"، همانجا، ۱۳۸۲، صص ۱۱۶-۱۰۲

جلایی‌پور، "حضور مستمر و اصلاح‌طلبانه"، همانجا، ۱۳۸۲، صص ۱۰۲-۹۴

جلایی‌پور، "درحاشیه سالروز دوم خرداد، توجه: جنبش اجتماعی ایران به کدام سو می‌رود؟"، سایت عصر نو، ۶ خرداد ۱۳۸۲

جلایی‌پور، جامعه‌شناسی جنبش اجتماعی دوم خرداد"، یاس، سال اول، شماره ۷۷، ۱۹ خرداد ۱۳۸۲

جنبش نوزایی ایران، جمهوریخواهان و مشروطه‌طلبان متحد شویم، سه‌شنبه ۲۵
فروردین‌ماه ۱۳۸۲

جورآباد س. م.، "در شرایط فعلی چه رفراندومی باید برگزار شود؟"، سایت ایران
امروز، ۹ خرداد ۱۳۸۲

حجاریان سعید، عبدی عباس، تاجزاده سید مصطفی، جلایی‌پور حمیدرضا،
علوی‌تبار علی‌رضا، گفتگویی انتقادی، اصلاحات در برابر اصلاحات، تهران،
انتشارات طرح نو، ۱۳۸۲

حجاریان، "از مفاهیم گنگ پرهیزیم" در حجاریان والخ، ۱۳۸۲، صص ۲۴ - ۲۳

حجاریان، "چشم انداز این راهکار، بناپارتیسم است"، همان منبع، صص ۷۰ - ۶۸

حجاریان، "در حوزه عملی چه باید کرد؟"، همان منبع، صص ۱۸ - ۱۱۶

حجاریان، "مشروطه‌طلبی"، همان منبع، صص ۱۳۴ - ۱۲۱

"حمایت فعالان فرهنگی، سیاسی ایران از نامه سرگشاده نمایندگان به مقام
رهبری"، سایت عصر نو، ۲۷ خرداد ۱۳۸۲

عبدی عباس، "بازدارندگی فعال سخن جدیدی نیست"، در حجاریان والخ، ۱۳۸۲،
صص ۲۸ - ۲۶

عبدی، "خروج از حاکمیت"، همان منبع، صص ۷۷-۸۲

عبدی، "خط قرمز حضور فعال چیست؟"، همان منبع، ص ۱۱۶

عبدی، "امکان تحقق ندارد"، همان منبع، صص ۳۶-۱۳۴

علوی تبار علی رضا، "انقلابی در هدف، اصلاح طلب در روش"، در حجاریان و الخ،

۱۳۸۲، صص ۲۸-۳۰

علوی تبار، "ملاحظات راهبردی برای آینده"، همان منبع، صص ۳۹-۶۴

علوی تبار، "نقش نیروی خارجی نادیده گرفته شد"، همان منبع، ص ۱۳۹

سحرخیز عیسی، "درباره تظاهرات سیاسی در ایران"، گفتگو با کیواندخت قهاری،

سایت عصر نو، ۲۳ خرداد ۱۳۸۲

سحرخیز عیسی، "مطبوعات ایران در دوران اصلاحات، آثار و پیامدها"، سایت

ایران امروز، ۹ خرداد ۱۳۸۲

"نامه سرگشاده ۱۲۷ نماینده مجلس خطاب به آیت‌الله خامنه‌ای"، سایت ایران

امروز، ۴ خرداد ۱۳۸۲

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸، اصلاحات و تغییرات و تمیم قانون اساسی مصوب ۱۳۶۸، تدوین جهانگیر منصور، تهران، نشر دوران، ۱۳۷۷، چاپ پنجم.

دکتر محمد معین، فرهنگ فارسی د - ق، جلد دوم، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۸

www.KetabFarsi.com

**Islamic Republic of Iran:
*Paradoxes of Reform
and
Prospects of Rebellion***

**Mehrdad Baba Ali
Nasser Mohajer**

www.ketabparsi.com

The Islamic Republic of Iran:
Paradoxes of Reform and Prospects of Rebellion
Authors: Mehrdad Baba Ali & Nasser Mohajer
Page Layout: Parvaneh Hedayat
Print: Bagher Mortazavi
Publisher: Noghteh Books
Spring 2004



Noghteh

PO Box 8181

Berkeley, CA 94707-8181

U.S.A

Phone/Fax: 510 636 9140

URL: <http://www.noghteh.org>

Noghteh

B. P. 157

94004 Creteil, Cedex

France

www.KetabFarsi.com

**Islamic Republic of Iran:
*Paradoxes of Reform
and
Prospects of Rebellion***

**Mehrdad Baba Ali
Nasser Mohajer**

